

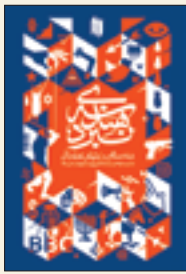
## پیش‌خوان

## پیش‌خوان

**نظری و گذری بر «شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن در اندیشه‌های امام‌خامنه‌ای»**

## شناخت «هندسه‌نبرد» برای بصیرت‌افزایی

■ **سمانه صادقی**



اثری که هم اینک در معرفی همانگونه‌که از عنوان آن هویداست، به «شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن در

حضرت امام‌خامنه‌ای» پرداخته‌است. این دفتر

در روزهای پیش از شهادت امام‌مجاهدان آماده چاپ و انتشار بود که وقایع بعدی مانع از آن گشت.

هم‌از این روی و بنا به اهمیت و تناسب محتوای کتاب با حوادثِ روز، انتشارات انقلاب اسلامی آن را به صورت مجازی و رایگان منتشر کرد. تاز نمای ناشر در باب موضوع و محتوای این پژوهش، نکات ذیل را مورد توجه قرار داده‌است: «در واپسین روزهای پیش از شهادت رهبر شهید انقلاب، کتاب «هندسه‌نبرد، شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن در اندیشه‌های حضرت امام‌خامنه‌ای» از سوی انتشارات انقلاب اسلامی آماده انتشار شد که طی آن، مجموعه‌ای از بیانات و رهنمودهای ایشان درباره ماهیت دشمنی جبهه استکبار و شیوه‌های جنگ تبلیغاتی و فرهنگی دشمن و راهبردهای مقابله با آن، به صورت دسته‌بندی موضوعی ارائه شده‌است.

سخنان امام‌شهید، تصویری روشن از منطق تقابل انقلاب اسلامی با نظام سلطه و صهیونیست جهانی را ارائه می‌کند. هم‌زمان بافراسیدن روز جهانی قدس و در شرایطی که ایران اسلامی و جبهه‌مقاومت در برابر تهاجم و فشارهای جبهه امریکایی – صهیونیستی در حال ایستادگی بودند، این مجموعه به صورت الکترونیکی و پیش از انتشار نسخه‌چاپی در اختیار مخاطبان قرار گرفت. این تحقیق که از سوی انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده، مجموعه‌ای



تهران، نمای از راهپیمایی عظیم ۲۲دی ۱۴۰۴

از بیانات و رهنمودهای رهبر شهید انقلاب درباره ماهیت دشمنی جبهه استکبار، شیوه‌های جنگ تبلیغاتی و فرهنگی دشمن و راهبردهای مقابله با آن است. در این کتاب تلاش شده با دسته‌بندی موضوعی سخنان ایشان، تصویری روشن از منطق تقابل انقلاب اسلامی با نظام سلطه و صهیونیسم جهانی ارائه شود. هندسه‌نبرد در ۳۶۲ صفحه گردآوری شده و به موضوعاتی همچون: شناخت اهداف دشمن، ابزارهای جنگ نرم، تلاش برای ایجاد اختلاف در میان مسلمانان، نقش رسانه و فرهنگ در نبرد روایت‌ها و ضرورت بصیرت و اتحاد در جبهه‌مقاومت می‌پردازد. انتشار زود هنگام نسخه‌الکترونیکی این کتاب، با هدف دسترسی سریع‌تر مخاطبان و تقویت آگاهی عمومی درباره‌یاداعات مختلف نبرد جبهه‌حق و باطل صورت گرفته و علاقه‌مندان می‌توانند آن را به‌صورت رایگان دریافت کنند. این واپسین اثر منتشره از سوی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت ابانالله‌الظیمی‌خامنه‌ای، از سایت ناشر و سایر درگاه‌های خبری و تحلیلی قابل دسترسی است…».

در بخشی از «هندسه‌نبرد» و در روایت از رهبر شهید، چنین می‌خوانیم: «نها می‌خواهند ملت ایران فراموشی کند که دشمنی دارد. در سایه این ملت فراموشی‌انست که می‌توانند مردم را به مسائلی کوچک‌تر، سرگرم کنند و میانشان اختلاف بیندازند. اینکه می‌بینید ملت ما بعد از ۲۶ سال، مرگ بر امریکا را فراموش نمی‌کند، به‌خاطر این سوره‌قرآن و قبل از بسم‌الله الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ هم‌ان و اسیر توطنه شدن هم‌ان. درواقع «هرگ بر امریکا» پی‌که مردم ما می‌گویند، مثل هم‌ان آغوز بالله مِّنَ اللَّسِیطٰنِ الرَّجِیْمِ است که اول هر سوره‌قرآن و قبل از بسم‌الله الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گفته می‌شود. استعاده‌به‌خدا از شیطان رجیم، برای چیست؟ برای این است که انسان مؤمن، یک لحظه حضور شیطان را فراموش نکند. یک لحظه از یاد نبرد که شیطان آماده‌حمله به او و انهدام حصار معنوی و ایمانی اوست…».

## تاریخ

تاریخ ۰۶۰۸۵۳۳



## «عبدالله شهبازی، نمادی از تجاع نظری و عملی» در گفت‌وشنود با دکتر موسی فقیه‌حقانی

# به جای عبرت‌اندوزی از تاریخ خود به عبرت تاریخ معاصر تبدیل شد!

■ **سمانه صادقی**
در سالیان اخیر و هم‌زمان با خروج عبدالله شهبازی از کشور، شاهد تغییر مواضع سیاسی و تاریخی نامبرده در موضوعات گوناگون بوده‌ایم. در ماه‌های اخیر اما او تمامی ادعاها و ملاحظات گذشته را به کناری نه‌ساده و در قامت تئوری پرداز حمله امریکا و اسرائیل به ایران، سقوط نظام جمهوری اسلامی و بازگشت تبار پهلوی به قدرت ظاهر شده‌است. در بازخوانی زمینه‌های شکل‌گیری تئوری‌های نوین شهبازی و تناقضات آن، با دکتر موسی فقیه‌حقانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران گفت‌وگو نشستیم.یم. ریاست پژوهشکده تاریخ معاصر، علاوه بر شناخت شخصی از این نویسنده و تاریخ پژوه‌نادم، با سیر تطور وی نیز آشنایی دقیق دارد و این همه باعث شده‌است گفت‌وشنود پی آمده، تصویری دقیق از اکنون شهبازی به دست دهد. امید آنکه مفید آید.

■ ■ ■

**با عنایت به اینکه شما از پیشینه و کارنامه آقای عبدالله شهبازی شناختی دقیق و جامع دارید، عقبگرد نظری و عملی وی در شرایط کنونی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، قال الله تعالی: «مَثَلُ الَّذِیْنَ جَمَلُوا التَّوْبَةَ اَنْ لَّمْ یَخْلُوهَا کَثْرَةُ الْجَحَارِ یُحْمِلُ اَسْفَاظًا» (سوره مبار که جمعه/ ۵هـ)، در یک کلام باید گفت، آقای عبدالله شهبازی که باید خود از تاریخ

عبرت می‌گرفت، امروز به عبرتی در تاریخ معاصر ایران تبدیل شده‌است! کسی که روزی علیه دیکتاتوری پهلوی‌ها کتاب می‌نوشت، امروز مزدوری آن خاندان مبارزه با دیکتاتوری پهلوی بوده، امروز با قاتلان پدر خود همپیمان شده‌است! کسی که روزی در راستای افشای زرسالاران یهودی مجلدات متعدده به نگارش می‌شد بلکه‌است! به‌راستی چگونه می‌شود، فردی به برکت انقلاب اسلامی از ورطه حزب توده خلاص شود و بر اثر لجاجت، بی‌کفایتی و تحلیل غلط، در لجنزار مוסاد و سیا و پهلویسم فرورود و برای آنها تئوری‌سازی به آنان راهکار دهد؟ بسیاری از دلسوزان با توجه به شخصیت آقای شهبازی و نمک‌ناشناسی او، از همان ابتدا این گمان را می‌بردند که او اگر به‌سوءخارج برود، برای نظریه‌پردازی و راهکارنویسی برای سقوط جمهوری اسلامی تبدیل شود، فراتر از حدس‌ها و یکی از عبرت‌های بزرگی است که باید به آن توجه جدی کرد.

کلان تحلیل نامبرده از این قرار است که منافع (به تعبیر ما) استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل، با منافع ملت ایران در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی همسو و یک فرصت طلایی برای سلساق کردن این نظام فراهم شده‌است! سخن این است که آقای شهبازی! با چه مبنایی و با کدام شواهد به این تحلیل و نتیجه رسیده‌اید؟ از کدام مردم سخن می‌گویید؟ مردمی که زیر بمباران و موشکباران، در مقابل تجاوز ناجوانمردانه امریکا و اسرائیل ایستاده‌اند؟ در نظارهات شرکت می‌کنند و برای ممانعت از فعالیت خرابکاران و تروریست‌هایی که شما برای آنها و همچنین برای به‌خون کشیدن جامعه ایرانی راهکار ارائه می‌دهید، در خیابان‌ها حضور خود را حفظ کرده‌اند؟ شما از چنین مردمی صحبت می‌کنید یا مردمی که در توهمات‌تان آنها را پرداخته‌اید؟ گمان می‌کنم که دل‌راهی زرسالاران یهودی، چشم شما را کور کرده‌است! علاوه بر چشم باطن‌تان که کور شده، چشم

دکتر موسی فقیه‌حقانی

**در ۱۸ و ۱۹دی ماه، شاهد یک رشته عملیات ترور بیستی عوامل سیا و مוסاد در کشورمان بودیم که آقای شهبازی از آن به‌عنوان «انقلاب ملی» یاد می‌کنند! اما هیچ‌گاه متذکر نمی‌شود که اجزای این انقلاب ملی و افرادی که این آشوب و کشتار را در کشورمان تدارک دیدند، توسط چه نهادها و جریاناتی تأمین مالی و مسلح شده‌اند؟ در کجا آموزش دیده‌اند؟ و چه کسانی رهبری و مدیریت آنان را بر عهده داشته‌اند؟ به او توصیه می‌کنم که دست از فریبکاری بردارد!**

در این توهم‌پردازی، به هیچ وجه این نکته در نظر گرفته نمی‌شود که این رابطه دیالکتیکی ادعایی بین انقلاب و جنگ، اساساً وجود خارجی ندارد! ما تنها استکبار جهانی، صهیونیسم بین‌الملل و عوامل آن در داخل کشور را می‌بینیم که درصدد از بین بردن انقلاب شکوهمند مردم ایران و نظام برآمده از آن هستند، بنابراین اساساً رابطه دیالکتیکی مورد اشاره امری موهوم است. به علاوه سنتزی که آقای شهبازی از سقوط جمهوری اسلامی و روی کار آمدن رضا پهلوی پیش‌بینی می‌کند، یک توهم بسیار ساده‌انگارانه است. وی چنانکه در گفت‌وگوهای متعدد خود نیز اظهار داشته است،

گمان می‌کند که گرایش و اقبال به پهلوی در ایران افزایش یافته و این خاندان، می‌تواند جایگزینی برای نظام اسلامی در ایران باشند. آقای شهبازی فراموش کرده‌است که ملت بزرگ ایران، هرگز برگزنده خود را دوباره نمی‌خورد! رژیمی که با اعتراض عظیم قاطبه ملت ایران در سال ۱۳۵۷ ساقط شد، به هیچ وجه قابل برگشت نیست؛ نه اقبال عمومی با او همراه است و نه اساساً جامعه ایرانی، با دیگر چنین ننگی را تحمل می‌کند که رژیم پادشاهی در ایران حاکم شود. آنچه که آقای شهبازی به‌عنوان سنتز معرفی می‌کند، اساساً پدیده‌ای ساخته و پرداخته سیا و مוסاد است. حکومت پهلوی، یک رژیم وابسته به بیگانگان بود. پهلوی‌ها کسانی بودند و هستند که بدون انگیزه بیگانه، اساساً نمی‌توانستند هیچ نوع حرکتی را در ایران رقم بزنند و امروزه با توجه به آگاهی مردم ایران، اساساً هیچ عرصه و ظرفیتی برای آنان وجود ندارد. به آقای شهبازی توصیه می‌کنم وقتی درباره اقبال مردم ایران به پهلوی توصیه می‌کنند یا هنگامی که اظهار می‌دارد انقلاب ملی ایرانیان با هجوم خارجی همسو شده‌است و از این بابت مردم ایران را خوش شانس می‌داند، حذقل کنید. حداقل زیر عکس پدر خودش که به دست محمدرضا پهلوی کشته شد، این حرف‌ها را نزنند! این هم به لحاظ شخصی – چون او فرزند می‌نامد و معتقد است که آن انقلاب به اصلاح ملی زمینه‌ساز تهاجم خارجی بوده که البته به یک معنا اینگونه هم شده‌است! این اقدامات بی‌خوابانید ترورستی در ۱۸ و ۱۹دی ماه در کشور انقلاب ملی می‌کنند که اهدافش رسیدن به اهداف خارجی و کشتار مردم مظلوم ایران به دست استکبار جهانی شد. شهبازی در ادامه این گونشه می‌دهد که ایرانیان بسیاری خوش شانس هستند که اهداف خارجی‌ها بخوابانید صهیونیسم بین‌الملل و استکبار جهانی) با انقلاب مردمی ایرانیان تلافی یافته و ایسن موضوع می‌تواند منجر به سقوط جمهوری اسلامی و آینده‌ای درخشان برای کشور شوشا اما همان گونه که اشاره شد، اینها دو جریان نیستند؛ بلکه تنها یک جریان هستند. باید از آقای شهبازی پرسید: انقلاب ملی‌ای که وی از آن یاد می‌کند، توسط چه کسانی صورت گرفته است؟ آنچه که ما مشاهده کردیم، این بود که عده‌ای تروریست به هیچ کس و هیچ چیز رحم نکردند و کشتاری را با هدف ایجاد جنگ داخلی در کشور ما رقم زدند. آن چیزی هم که امروز شاهدش هستیم، خروش ملت بزرگ ایران در خیان‌های شهرها، روسناها و اقصی نقاط کشور، علیه توطنه شوم خارجی و داخلی‌ای است که توسط عوامل مוסاد طرح‌ریزی شده‌است، بنابراین به او توصیه می‌کنم که دست از فریبکاری بردارد و آن چیزی را که تروریست‌ها در ایران به دنبال آن هستند، به‌عنوان انقلاب ملی به مخاطبان القا کنند. مردم ایران بارها و با قدرت، هم در مقابل عوامل داخلی سیا و مוסاد و هم در مقابل هجوم مستقیم آنها ایستاده‌اند و آن‌شالله این توهم که جمهوری اسلامی و ایران عزیز در برابر آنها تسلیم خواهد شد را برای همیشه ابطال خواهند کرد.

**به تصور آقای شهبازی، حال که منافع امریکا و اسرائیل با خواسته ملت ایران یکی شده، مردم باید به کدام نسخه عمل کنند؟**
باید مجدداً اشاره کنم که امروزه جهان و منطقه، شاهد تهاجم نظامی استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل به کشورمان، از نیم اسفند ماه سال ۱۴۰۴ به بعد است. پیش از آن نیز در ۱۸ و ۱۹دی ماه، شاهد عملیات ترورستی عوامل مוסاد در کشورمان بودیم که آقای شهبازی از آن به‌عنوان «انقلاب ملی» یاد می‌کند، اما هیچ‌گاه متذکر نمی‌شود که اجزای این انقلاب ملی و افرادی که این آشوب و کشتار را در داخل کشور علیه نظام اسلامی و مردم انجام می‌دهند.

**پس شما معتقدید که درباره آشوبگران مورد اشاره آقای شهبازی، اصطلاح «مستقل» بی‌معناست؟**
بله. همانگونه که اشاره شد، در این میان پدیده مستقلی دیده نمی‌شود. در واقع پدیده مستقل، همان ملت بزرگ ایران هستند که در برابر استکبار

جهانی، عوامل مוסاد و سیا و موجب‌بگیران داخلی آنها ایستاده‌اند، بنابراین میدان واقعی، برخلاف صحنه‌ای است که آقای شهبازی ترسیم می‌کند.

حقیقت این است که ملت قهرمان ایران با تمام ظرفیت‌های خود، پای آرمان‌های انقلاب اسلامی و ولایت فقیه ایستاده‌است و در برابر تحركات و تهاجماتی که از سوی استکبار جهانی صورت می‌گیرد، گوش به فرمان رهبر جوان خویش است. آن‌شالله در این نبرد سرنوشت‌ساز، این ملت ایران خواهد بود که استکبار جهانی را سرکوب و منکوب خواهد کرد. باز هم تأکید می‌کنم که آقای شهبازی باید به این سؤال ساده پاسخ بدهد که این پدیده مستقلی که او از آن به‌عنوان جوانان معترض و انقلابی نام می‌برد که اکنون مسلح شده‌اند، تسلیح آنها توسط چه کشوری و چه جریاناتی انجام شده‌است؟ کجا آموزش دیده‌اند و منابع مالی آنها از کجا تأمین می‌شود؟ اگر او صادقانه به این سؤالات پاسخ دهد، قطعاً باید تئوری‌پردازی‌های متوهمانه خویش را کنار بگذارد و اعتراف کند که دو جریان که هیچ پیوندی با یکدیگر ندارند، در مقابل هم صف‌ارایی کرده‌اند: جبهه مردم ایران که جریان حق است و جبهه استکبار جهانی به‌عنوان جریان باطل که آن‌شالله توسط ملت ایران سرکوب و نابود خواهد شد.

**حال که سخن به اینجا رسید، قدری درباره جریانی که توجیه تبلیغی حمله به ایران را بر عهده گرفته‌است، توضیحاتی ارائه کنید.**

در خصوص اهداف دولت‌های متجاوز به کشور عزیزمان و برنامه‌های آنها برای شکست ملت و نظام اسلامی ایران، افران مختلف، اعم از مقامات سیاسی و نظامی همان کشورها و همچنین تحلیلگران سیاسی داخلی و خارجی، گمانه‌زنی‌ها و نکاتی را مطرح کرده‌اند. در برنامه‌های اعلامی از سوی دو رژیم متجاوز به کشورمان، تناقضات بسیاری از تأکید بر تجزیه ایران و تغییر نظام گرفته تا اظهار این نکته که در صدد تغییر نظام نیستند، دیده می‌شود. در بین محققان و تحلیلگران سیاسی نیز اظهاراتی از این دست را شاهد هستیم. عبدالله شهبازی در زمره کسانی است که در تشریح سناریوی غربی‌ها و رژیم اشغالگر قدس علیه ایران، اظهاراتی داشته‌اند. در واقع برنامه‌های امریکا و رژیم اشغالگر قدس علیه ملت ایران تا تبلیغ می‌کند و در عین حال مدعی است که فقط وقایع جاری را روایت می‌کند و تحلیل کرده‌است. از دیدگاه او مرحله اول این حرکت، انقلاب ملی است. منظور او از انقلاب ملی هم، همان شورش ترورستی ۱۸ و ۱۹دی ماه سال گذشته است. شهبازی جنگ را در ادامه انقلاب ملی و برای حذف نیروهای حافظ امنیت در کف میادین شهر و به وسیله حملات پهبادی متجاوزین قلمداد کرده‌است. او در نهایت زمینه‌سازی برای خروج جوانان معترض و مسلح و عوامل موساد برای از بین بردن حاکمان نظام و نهایتاً خروج مردم و تحقق یک انقلاب را پیش‌بینی می‌کند که او و امثال او منظر وقوع آن در کشور هستند! البته وی در این باره، در باغ سیزی راهم نشان می‌دهد: با این منطق که منافع امریکا و مردم ایران باهم تلافی یافته و از آنجا که رضا پهلوی برای آنها نوبدی باشد برای ایرانی‌ها و توسعه یافتن ایران! البته به شرطی کار آمدن می‌شود. در واقع شهبازی می‌تواند بگوید که پس از وقوع جنگی خوینی، آینده‌ای همراه با توسعه و پیشرفت در انتظار آنهاست! شهبازی ضمن بیان این مطالب به منتقدین و مخالفین خود می‌گوید که من فقط سناریو طرح کرده‌ام و شما هم اگر طرحی دارید و سناریویی به نظر‌تان می‌رسد، آن را بیان کنید. جا دارد تا به این نکته اشاره کنم که آقای شهبازی! شما فقط شهادت کرده‌اید! این مطرح و به عبارت دیگر فقط روخوانی کردید، بلکه هم تأیید، هم تشویق و هم تحریک کردید! اینکه شما با ارائه ذهنیت آمیخته به توهم خود، این وعده را می‌دهید که با آمدن پهلوی‌ها در این تهاجم مستکبر جهانی و کشتار مردم ایران توسط امریکا و رژیم صهیونیستی، می‌شود، صرفاً روخوانی سناریوی آنها نیست. باید به شما تذکر داد که سناریوی مردم ایران در این جنگ تحمیلی و در تقابل با سناریوی امریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی، حضور گسترده در میدان برای خنثی کردن تحركات ترورستی در کشور است؛ آنچه که در ۵۵۰۰موجب اخیر، مردم به رأی‌الاست در میدان و خیابان مشاهده می‌کنند و هر شب نیز به گستره آن افزوده می‌شود. در هم شکستی مقتدرانه تجاوز دشمن و آتش نیر‌وهای نظامی و مسلح‌ها، مهاجمان را به تنگ آورد و صدای شکست استخوان‌هایش به گوش دنیا رسید. خود دشمنان هم اعتراف می‌کنند که توقع این ایستادگی و شجاعت را نه از مردم ایران داشتند و نه از نیروهای مسلح آن‌ای بی‌تردید در پایان این مقاومت جانانه میهنی و ملی، استکبار جهانی، امریکای جنایتکار و دشمن صهیونیستی، از مردم ایران شکست سختی خواهند خورد، هم‌زمنی امریکا و نظام تک‌قطبی با چالش جدی مواجه شده و از بین خواهد رفت و رؤیای تسلط بر نیل تفرات صهیونیست‌های جنایتکار، نابود خواهد شد. پس از پیروزی ایران، تعیین سرنوشت برآسیا به‌عنوان قلب زمین و هارتلند (Heartland)، به دست ایران و جبهه مقاومت شکل خواهد گرفت و بأذن الله تعالی، ملت ما تعیین‌کننده نظم حاکم بر خاورمیانه جدید و گشایش‌دهنده نظام چندقطبی در جهان خواهد بود.